

بهار ایرانشناسی ژاپن

گزارشی از فعالیت‌های ایران‌شناسی در ژاپن



○ دکتر هاشم رجب‌زاده

دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا

۲- حدیث ایران در موزه قوم‌شناسی

به همت و دعوت خانم یوریکو یاماناکا دانشیار و ایران‌پژوه مرکز تحقیق فرهنگ مردم و موزه قوم‌شناسی ژاپن روز شنبه هشتم مارس ۲۰۰۳ / ۱۷ اسفند ۱۳۸۱ مجلس گفتاری دربارهٔ ایران با شرکت گروهی از اهل تخصص در محل این موزه در اوساکا ترتیب داده شد. در این مجلس آقای دکتر اولریش مارزلف Ulrich Marzolph استاد بنیاد دانشنامه Marchens که از آغاز ماه مارس برای گذراندن فرصت مطالعاتی دو ماهه‌ای در این مرکز به ژاپن آمده بود، و خانم توموکو شیمویاما مدرس دانشگاه مطالعات خارجی توکیو هریک گفتاری دربارهٔ ایران فرآینادند و این مجلس با بیان نقد و نظر حاضران دنباله یافت.

آقای دکتر مارزلف تصویرهایی از نقش و نوشته‌های دیواری شهر تهران که بیشتر مایه و پیام مذهبی و آئینی دارد نشان داده و با نگرشی مردم‌شناسانه متن و مایه و محتوای این دیوارنوشته‌ها را بررسی و به اثر آن در تبلیغ هدفهای اجتماعی و گرایشهای جمعی و ایجاد وفاق ملی در جهت مطلوب طراحان این پرده‌ها اشاره داشت. بیشتر این پرده‌های دیواری، که بهره‌ای غنی از مایه‌های هنر و ادب ایرانی مانند نقش گل و پرنده و آسمان و خوشنویسی و شعر و کلام آهنگین دارد، یادآور حماسه‌های مبارزان هشت سال دفاع مقدس و نیز ارزشهای اسلامی است، و شماری از این پرده‌ها نیز جنبهٔ آموزش عمومی دارد چنانکه در سفارش به صرفه‌جویی در مصرف آب یا

۱- بنیادی تازه برای ایران‌پژوهی

خانم یوکونوکو فوجیموتو استاد بخش ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا طرح و برنامه آماده شده در این مرکز دانشگاهی را برای ایجاد فعالیت و جهش تازه‌ای در ایران‌پژوهی در غرب ژاپن، که «مجلس تحقیقی کوچک حوزهٔ کانسای» (محور اوساکا، کیوتو، نارا و کوبه) خوانده شده است، در گردهمایی امسال انجمن ایرانشناسی ژاپن در میان نهاد. این برنامه، که به صورت مجالس سخنرانی و مقاله‌خوانی و بحث و تبادل نظر مرتب خواهد بود، قرار است از بهار امسال به اجرا درآید. در مرحلهٔ اول، هر دو ماه یک بار (در ماههای مه، ژوئیه، اکتبر، دسامبر و فوریه) مجلس تحقیقی با دعوت از دو سخنران برای ارائه مقاله در زمینهٔ تحقیقات ایرانی برگزار خواهد شد. نخستین جلسهٔ این سلسله سخنرانی‌ها برای روز شنبه ۲۴ ماه مه ۲۰۰۳ (۳ خرداد ۱۳۸۲) پیش‌بینی شده است. ترکیب و کیفیت کار این مجلس با بررسی‌ها و نظرسنجی‌ها بویژه میان ایران‌پژوهان حوزهٔ فرهنگی کانسای تدبیر و ترسیم شده است. به مناسبت گردهمایی این بهار انجمن ایرانشناسی هم که در اوساکا برگزار شد چند تن از ایران‌پژوهان منطقهٔ کانتو (توکیو و پیرامون آن) از آن میان پرفسور کوچی کامیوکا، پرفسور تتسونو ناواتا و خانم توموکو یاماگیشی دانشیار دانشگاه چوتو پیامهایی در اعلام نظر خود فرستاده و ضمن تحسین این ابتکار، دشواریهای کار را یادآور شده بودند.

پاکیزه نگاهداشتن شهر. این از نمونه موضوعها و نمادهایی است که حضوری پررنگ در جامعه دارد و ما ایرانیان بیچندان توجهی از کنار آن می‌گذریم یا که آنرا درخور تحقیق نمی‌دانیم اما چشم تیزبین پژوهندگان بیرونی که از جامعه و محیطی دیگر به آن می‌نگرند جاذبه‌های آن را زود می‌شناسند و ثبت می‌کنند.

خانم توموکو شیمویاما در گفتار خود پیرامون «مناقب‌خوانان و واعظان شیعه در شهر ری در روزگار سلجوقیان» به معرفی مناقب‌خوانان و فضایل‌خوانان یا مداحان و واعظان و سهم و تلاش آنها برای استوار داشتن تشیع در زمانه‌ای که معتقدان اهل بیت و خاندان امامت با ستیز متعصبان اهل سنت روبرو بودند پرداخت و برپایه منابع در دسترس کوشید تا احوال واقعی این رقابت را به دست دهد. خانم شیمویاما در گفتار خود که در سه بخش

۱- آغاز سخن و معرفی موضوع

۲- وضع شهری در روزگار سلجوقیان و

۳- حاصل کلام، ارائه شد از عمده منابع این موضوع شامل کتابهای فهرست تألیف منتخب‌الدین علی بن بابویه رازی (قم، ۱۳۶۶)؛ کتاب النقص: بعض مطالب‌النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی (تهران، ۱۳۵۸ به چاپ دوم)؛ دیوان شرف‌الشعرا بدرالدین قوامی رازی (تهران، ۱۳۳۴) (این هر سه به کوشش جلال‌الدین حسینی ارموی) و فتوت‌نامه سلطانی تألیف حسین بن علی کاشفی (به کوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۱۳۵۰) بهره برده بود. از جمله منابع اروپایی مقاله خانم شیمویاما، تألیف‌های Jean Calmard, A. Bausani و Kohlberg Etan یادکردنی است. موضوع این گفتار وسیع و حاوی مطالب و مباحث فراوان بود که هر یک تحقیق خاص و جداگانه می‌خواهد. با این همه، تلاش این پژوهنده که در چنین پهنه گسترده‌ای گام نهاده و دل به دریا سپرده ستودنی است.

۳- مجلس سالانه انجمن ایرانشناسی ژاپن

آغاز مجلس

گردهمایی امسال انجمن ایرانشناسی ژاپن در روزهای ۱ و ۲ آوریل ۲۰۰۳ / ۱۲ و ۱۳ فروردین ۱۳۸۲ برگزار شد محل اجلاس این بار دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا بود. جایی که این یگانه انجمن ویژه ایرانشناسی در ژاپن ۲۲ سال پیش از این به همت ایرانشناس صاحب‌دل و فرزانه، استاد تاکه‌شی کاتسوفوجی، بنیاد شد. در آغاز این مجلس، استاد کاتسوفوجی چند تصویر یادگار نخستین مجلس ایرانشناسی در سال ۱۹۸۲ و گردآمدگان در آن را نشان داد که خاطره‌هایی دلپذیر در دل یاران دیرین حلقه ایرانشناسی که هنوز با شور و شوق به این دیدارهای یکبار در سال می‌آیند زنده کرد. به راستی هم این انجمن با آنکه بود و نمود آن بیشتر به دیدارهای سالانه محدود بوده، در دو دهه گذشته زمینه و فرصت‌هایی ارزنده برای پیشرفت ایران پژوهی و تشویق جوانان به گام نهادن در این راه فراهم ساخته است.

مجلس امسال ایرانشناسی به میزبانی خانم یوکو فوجیموتو استاد بخش ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا و محقق ادب پارسی برگزار شد و حدود چهل ایران‌پژوه را از سراسر ژاپن برای دیداری دوستانه و گفت‌وگویی صمیمی گرد آورد و چند تنی که ره‌آوردی از مقاله و سخن تازه داشتند حاصل پژوهش خود را به دوستان شیفته و صاحب‌نظر ارائه کردند. این مجلس هر بار در یکی از دانشگاه‌های ژاپن برگزار می‌شود، چنانکه میزبان گردهمایی پارسل دانشگاه اویتا در کیوشو جزیره جنوب غرب ژاپن بود و دو سال پیش از آن دانشگاه مطالعات خارجی توکیو و بیشتر در دانشگاه توهوکو در شهر سندای در شمال ژاپن و به میزبانی پرفسور گورودا. از ویژگیهای مجلس امسال ایرانشناسی حضور شمار بیشتر ایرانیان بود که در میان دیدار مطالعاتی خود از سرزمین آفتاب فرصت را برای شرکت و مقاله‌خوانی در این گردهمایی معتتم یافته بودند.

به روش هر سال، آمدگان یک یک به معرفی فعالیت تحقیقی خود پرداختند، و پژوهش‌هایی را که در یک ساله گذشته داشته یا دنبال کرده یا به ثمر رسانده‌اند برشمردند.

استاد اوکازاکی و تحقیق وی

پرفسور شوکو اوکازاکی محقق اقتصاد ایران و تاریخ دوره قاجار که تا پیش از بیماری سخت خود در سال ۱۹۹۱ شاید که فعال‌ترین ایران‌پژوه ژاپنی در گستره تاریخ و جامعه کشور ما بود و بسیاری آثار ارزنده به صورت تألیف و ترجمه فراهم ساخته است. در معرفی خود به حاضران گفت که عمر دوم را می‌گذراند. روز ۸ ماه مه سال ۱۹۹۱ که استاد اوکازاکی در ۵۶ سالگی و چند لحظه پس از بیرون آمدن از کلاس درسش در دانشگاه کانسای دچار سکته مغزی و به بیمارستان رسانده شد، دستگاه نوامغزی خط صاف بی‌انحنایی را بر صفحه مخصوص نشان می‌داد که در اصطلاح پزشکی به مرگ مغزی تعبیر می‌شود. اما اعجاز طبیعت و فعالیت گروه پزشکی چیره‌دست کارساز آمد و فعالیت مغز اعاده شد و رفته رفته سلامت تن و بینایی چشم که سخت آسیب دیده بود بازگشت و خوشبختانه لطمه‌ای هم به حافظه وارد نیامده بود. با اینهمه، ضربه این عارضه چنان بود که با نهایت درخ، این پژوهنده پویا و پرشور و شتاب که تا آن زمان شهرت و اعتبار علمی قابل ملاحظه‌ای برای خود فراهم کرده بود از آن گونه تلاش و تحقیق که تا آن هنگام داشت بازماند. از آن سال این نخستین بار بود که استاد اوکازاکی مقاله‌ای وسیع و با مطالب گسترده و آماده شده در جلسه‌ای تحقیقی ارائه می‌کرد. این مقاله شرحی بود در معرفی چهل سال ایران‌پژوهی خود و گرایش‌ها و زمینه‌های پژوهشی که در این چهار دهه داشته و نزدیک یکصد کتاب و مقاله که در این سالها موفق به انتشار آن شده است.

استاد اوکازاکی که سه سال پیش در ۶۴ سالگی از دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا بازنشسته شد، به مروری مستند بر کار و آثار خانم لمبتون A. K. S. Lambton ایران‌پژوه انگلیسی پرداخت و به شیوه‌ای محققانه دین معنوی خود را به او ادا کرد. وی در جریان فرصت‌های مطالعاتی خود در انگلیس در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های علمی خانم لمبتون بهره برده و نیز تأثیر و سهمی را که آثار مکتوب این محقق بریتانیایی در پژوهش‌هایش در تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران داشته است ارج می‌نهد. کتاب Landlord and Peasant in Persian, a Study of Land Land Revenue Administration Tenure and اثر معروف خانم لمبتون را (که ترجمه فارسی آن با عنوان «مالک و زارع در ایران» منتشر شده) نیز در سال ۱۹۷۴ به ژاپنی درآورده و منتشر ساخته است. از تألیف‌های مستقل استاد اوکازاکی کتاب گرانقدر «قتات، شاه‌رگ حیات اقتصادی و کشاورزی ایران» است (به ژاپنی، چاپ توکیو، ۱۹۸۸، در ۲۷۶ صفحه). دو تن از شاگردان استاد اوکازاکی که اکنون سمت تدریس در دانشگاه و به فارسی آشنایی کافی دارند وعده داده‌اند که این کتاب را به فارسی درآورند. امید است که این یکی از هزار وعده خوبان نباشد.

تصویر در نخستین کتابهای چاپ سنگی ایران

نگاهی به نخستین نسخه‌های مصور چاپ سنگی در ایران، موضوع سخن دکتر مارزلف Ulrich Marzolph پژوهنده آلمانی بود که این بار دومه فرصت مطالعاتی (مارس و آوریل ۲۰۰۳) را در موزه قوم‌شناسی ژاپن در اوساکا می‌گذراند. پرفسور مارزلف در گفتاری به فارسی روان و شیوا و با نشان دادن تصاویر بسیار به معرفی نخستین نمونه‌های مصور چاپ سنگی در ایران پرداخت، و گفت: «اولین کتاب که با چاپ سربی در ایران منتشر شد رساله جهادیه و نخستین کتاب که با چاپ سنگی انتشار یافت قرآن مجید بود (۴۹-۱۳۴۸ ه. ق / ۱۸۳۳ م. در دارالسلطنه تبریز). از این زمان حدود بیست سال



پروفسور کورودا استاد دانشگاه توهوکو
در شهر سندای در شمال ژاپن



دوره چاپ سنگی عاری از ظرافت است و نه چشم‌نواز. تصویرهای آغازین شاهکارهای کوچکی هستند هم‌عرض مینیاتورهای قدیم. نمونه‌ای از اینها را با قلم میرزا علی قلی خوئی در هزار و یک شب می‌بینیم، و نمونه دیگر تصویری است از شیخ سعدی در گلستان به قلم هم او. رابطه تصاویر کتابهای چاپ سنگی با هنر تصویرگری قدیم موضوعی است که باید در آینده مورد توجه بیشتر و مطالعه دقیق واقع شود.

دکتر مارزلف افزود: «امروزه که بیش از ۲۵۰ سال از ورود چاپ سنگی به ایران می‌گذرد، هنرهای چاپ سنگی دیگر دنبال نمی‌شود و نشانی از آن نمانده جز اثری که در کار هنرمندان امروز (مانند کارهایی از اردشیر محمص) گذاشته است. این تصاویر بخش سازنده‌ای از تاریخ تکامل هنری ایران است، و نباید به آن بی‌اعتنا بود و آن را بی‌ارج و بها شمرد.»

ژاپن و ایران‌شناسی

دومین روز کار این مجلس با گفتار دکتر محمدرضا نصیری استاد و معاون دانشگاه پیام نور و دبیر کل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که برای یک کار تحقیقی و نیز شرکت در گردهمایی ایران‌شناسی به ژاپن آمده بود آغاز شد. دکتر نصیری به این مناسبت از فعالیت‌های تازه و گسترده بنیاد ایران‌شناسی یاد کرد و از آن میان شرحی درباره «سلسله همایش‌های بررسی پیشینه ایران‌شناسی و دستاوردهای آن تا امروز» که در ۶ منطقه جغرافیایی در سالهای ۸۳-۱۳۸۲ برگزار خواهد شد ارائه نمود و ایران‌شناسان ژاپن را به شرکت گسترده و فعال در این بررسی و گردهمایی‌ها و بویژه همایش بررسی ایران‌شناسی در منطقه خاور دور در پاییز ۱۳۸۳ فراخواند.

«ژاپن و ایران‌شناسی» موضوع سخن دکتر محمدرضا نصیری بود. در این مقوله تاکنون گزارشها و مقاله‌هایی کوتاه ارائه و هر بار به گوشه‌ای از موضوع پرداخته یا نظری کلی به این گستره افکنده شده است. با تنوع و تحول و پیشرفت روزافزون در فعالیت ایران‌پژوهی ژاپنیان جا دارد که این مبحث هرچند یکبار زمینه مطالعه‌ای همه جانبه و گسترده باشد و کم و کیف رویدادهای این حوزه که ما ایرانیان باید آنرا با اهمیت و علاقه بنگریم بررسی شود.

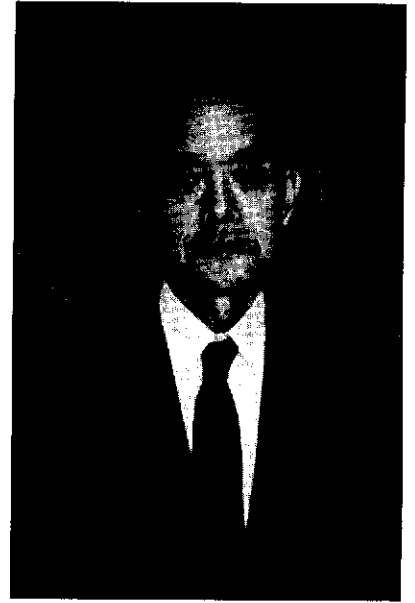
آموزش در ایران و ژاپن

«تعلیمات دینی و ترویج رسم و راه اسلامی در مدارس ایران» موضوع سخن خانم تویوکو موریتا مدرس دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا بود، که به بار آوردن شاگردان به رسم و راه آئینی در مدارس پرداخت و از شیوه‌های رواج

چاپهای سربی و سنگی در کنار هم رواج داشت، اما چاپ سنگی بیشتر جا باز می‌کرد. آخرین کتاب چاپ سربی پیش از آنکه این فن در برابر چاپ سنگی کنار برود «تؤمان الیکاء» بود (۱۲۷۱ ه. ق)، اما از سال ۱۲۹۱ ه. باز چاپ سربی رواج گرفت. علت اصلی تسلط چاپ سنگی، ترکیب حروف فارسی و امکان خوشنویسی با این چاپ بود.

کتابهای چاپ سنگی و مصور قدیم در سه دسته جای می‌گیرد: آثار ادبی، کتابهای مذهبی، و کتابهای داستان و فرهنگ مردم. در دسته اول کلیات سعدی بیش از هر کتاب دیگر چاپ می‌شد. و پس از آن خمسة نظامی و شاهنامه فردوسی. کتابهای چاپ سنگی را مانند نسخه خطی قدر نمی‌شناختند، و بعد از آنکه کهنه یا خوانده می‌شد آنرا دور می‌انداختند معروفترین کتاب در دسته آثار مذهبی روضة الشهداء اثر ملاحسین واعظ کاشفی است که ظاهراً هیچ‌گاه مصور چاپ نشده است و پس از آن کتاب حمله حیدری یا حیدریه، اسرارالشهاده و توفان الیکاء جای دارد. تحفة‌الذاکرین از نظر تصویر یکی از غنی‌ترین کتابهای چاپ سنگی این گونه ادبی است. در گروه کتابهای حماسه و قصه و داستانهای عامیانه تنوع بسیار دیده می‌شود؛ هزار و یک شب، رموز حمزه، و اسکندرنامه بیش از همه چاپ شده است. در این دسته، حکایات عامیانه به نظم و نثر و مجموعه‌های مطایبه‌آمیز مانند دزد و قاضی بغداد و ملا نصرالدین فراوان است. نخستین چاپ داستانهای ملا نصرالدین در سال ۱۲۹۹ ه. ق. منتشر شد و بخش عمده آن از عربی به فارسی ترجمه شده بود. بیشتر هنرمندان تصویرگر کتابهای چاپ سنگی بر ما ناشناخته‌اند یا که اطلاع دقیق از احوالشان نداریم. از اینان بویژه میرزا علی قلی خوئی (که در یک کتاب کلیات سعدی که برای آن تصویر کشیده به تاریخ «شعبان المعظم ۱۲۶۸» امضا کرده است) استاد ستار تبریزی، میرزا حسن ابن آقا میرزا سیداصفهان‌ی و میرزا سیف‌الله خوانساری یادکردنی‌اند. هنرمندانی دیگر هم فعالیت داشتند و محسن تاج‌بخش و محمد صناعی میان بعدی‌ها معروفند. میرزا علی قلی خوئی که بسیار پرکار و دارای روحیه و خلق و خویی عجیب بود و از ۱۲۶۳ تا ۱۲۷۲ ه. ق به مدت ده سال فعالیت داشت هنرمندی مسلط در کار و اثرگذار و صاحب سبک شناخته می‌شود. او حداقل ۳۰ عنوان کتاب را مصور کرد: کلیات سعدی و خمسة نظامی را هرکدام سه بار و توفان‌الیکاء را حداقل شش بار، به احتمال، می‌توان تصویر ۲۰ عنوان کتاب دیگر را در شمار آثار او دانست.

«کیفیت تصویرپردازی، چه از نظر فن و چه از نظر هنر، پس از این نام‌آوران و در سالهای بعد رو به نزول داشت. به اندازه‌ای که تصویرهای اواخر



خانم توموکو یاماگیشی
دانشیار دانشگاه چونو

شعر و موسیقی

شعر احمد شاملو موضوع سخن آقای فرزین فرد دانش‌پژوه دانشگاه مطالعات خارجی توکیو بود. وی که از نخستین فارغ‌التحصیلان رشته تازه بنیاد شده زبان ژاپنی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. اکنون دوره مطالعاتی دوساله‌ای را در توکیو می‌گذراند و تحقیق خود را در شعر امروز ژاپن و به ویژه سروده‌های یاسوناری کاواباتا شاعر پر احساس ژاپنی دنبال می‌گیرد. آقای فرزین فرد در مقاله‌اش به بررسی بهره‌هایی از سروده‌های شاملو پرداخت و نیز به دیگر آثار او مانند ترجمه‌ها به فارسی و کتاب کوچکی نگاه داشت. آهنگ و موسیقی شعر این سراینده؛ بهره گرفتن از ترنم کلام آسمانی حافظ، و همانندی «قصه‌های ننه دریا» سروده شاملو با اثری از سنت اگزوپری saint Exupry از گوشه‌های دیگر این بحث بود.

آقای ماساتو تانی پژوهنده موسیقی ایران که مدتی نیز به تحصیل اصول و دریافتن حال و هوای موسیقی ایرانی در کشور ما گذرانده است به معرفی «ردیف» در موسیقی ایرانی پرداخت و ردیف‌های زنده‌یادان موسی معروفی و میرزا عبدالله را در دستگاه شور (که به ترتیب در ۷۰ و ۷۲ عنوان برشمرده‌اند) برابر نهاد، و برپایه تحقیق‌های منتشر شده در این باره (ردیف میرزا عبدالله، تألیف داریوش طلایی، مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶، و ترجمه فارسی تألیفی از دورینگ Jean During، «ردیف‌سازی در موسیقی سنتی ایران»، نشر سروش، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۴) شرحی در این مبحث بیان کرد. آقای تانی از شیفتگان موسیقی ایرانی در جامعه ایران‌پژوهان ژاپن است. سنتور را زیبا می‌نوازد و در فرصت‌های معرفی علمی موسیقی ایران به ویژه در ناحیه کانسای در غرب ژاپن با نغمه‌های دلنواز سنتور کام‌گردآمدگان را با قطره‌ای از چشمه زلال موسیقی ایرانی شاد می‌کند. شوق و تلاش وی را باید ارج نهاد.

تحقیق‌های تازه ایران‌شناسی

از اسطوره ایرانی تا روایت عامیانه:

افسانه قهرمان اژدهاکش و دختر نخریس

تحقیق تازه‌ای از خانم کینگا تاکه‌شینتا Markus-Takeshita Kinga Iona محقق افسانه‌های ایران باستان به زبان انگلیسی در دفتر تازه درآمد «مطالعات فولکلور آسیا» Asian Folklore Studies نشر دانشگاه نازان Nanzan در ناگويا (دوره ۶۰، سال ۲۰۰۱) منتشر شده است. با عنوان «از اسطوره ایرانی تا روایت

گرفته در مدارس امروزه ایران در سوی این گرایش‌ها یاد کرد. وی نخست معرفی کوتاهی از نظام آموزش دوازده ساله پیش از دانشگاه فرهاد و آنگاه از ترکیب و محتوای دروس تعلیمات دینی و اهمیتی که به آن داده می‌شود یاد کرد و نیز به آموزش‌های جنبی و شیوه‌های تشویقی برای تقویت گرایش‌های اسلامی در شاگردان مانند جشن تکلیف و رفتن در حجاب برای دختران - اشاره داشت. خانم موریتا سالهاست که پس از به سر رساندن تحصیل در دوره ایران‌شناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا درباره نظام و شیوه آموزش مدارس در ایران تحقیق می‌کند و هم‌اکنون سرگرم تدوین پایان‌نامه دکتری خود در این موضوع در دانشگاه کوبه است.

مقاله‌ای با عنوان «انتقال تجربه؛ آنچه که ایران می‌تواند از برنامه ژاپنی بهبود شیوه تعلیم بر محور تحقیق در امر آموزش (طرح جوگیوکنکیو) بیاموزد» از سوی دکتر محمدرضا سرکار آرنی از دانشگاه علامه طباطبایی ارائه شد. دکتر سرکار آرنی که اکنون برای یک دوره مطالعاتی شش ماهه به ژاپن آمده و در چند نوبت پیشین فرصت تحقیقی در اینجا با زبان ژاپنی آشنایی یافته است، سخن خود را به ژاپنی ایراد کرد و با بیان پیشینه‌ای کوتاه درباره تحقیقات آموزشی در جهت بهبود روش‌ها در ایران و ژاپن به بررسی امکان و محدوده الگو گرفتن از شیوه‌های آموزش ژاپن در کشور ما برآمد. بخش عمده این بحث، مقایسه‌ای میان روش «جوگیو کنکیو» (تحقیقات برای بهبود روش‌های آموزش) در ژاپن با «طرح غنی‌سازی آموزش» در شماری از مدارس ایران بود.

اقتصاد شهر و روستا

سخن آقای هیئوشی سوزوکی محقق «مؤسسه تحقیق در احوال ممالک دارای اقتصاد در حال پیشرفت» درباره تحول وضع روستاها در ایران و تأثیر بنیادگرفتن شوراهای محلی در این جریان بود. آقای سوزوکی که تازه از سفر مطالعاتی دو ساله در ایران بازگشته است، از نمونه «زیباشهر» در محور یزد و اصفهان که روستا - شهر شناخته می‌شود یادکرد، و شرحی درباره فعالیت‌های بخش دولتی و نیز شورای محلی پیرامون احداث جاده تازه‌ای در این ناحیه داد. وی در سخن خود به چند مبحث مرتبط با این موضوع پرداخت، و از آن میان جایگاه کنونی ایران در جهان و در منطقه، احوال ناحیه اصفهان، طرح و ترکیب روستا - شهر، شوراهای محلی در ایران، و نیز تأثیر اوضاع منطقه در دگرگونی احوال اجتماعی و مدنی ایران.



VOLUME IX 2 2001

ASIAN FOLKLORE STUDIES NAGOYA



شبکه ایرانیان آمده به ژاپن

مقاله‌ای تازه، حاصل تحقیق خانم توپوکو موریتا مدرس بخش ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا و نیز دانشگاه کاکوشیما، در بررسی ترکیب و همبستگی جمعیت ایرانیان آمده به ژاپن، در کتابی زیرعنوان «زندگی ژاپنیان در خارج، و بیگانگان مقیم ژاپن» که به کوشش گروهی فراهم آمده و مقاله‌های شماری از محققان احوال‌میلیت‌های مختلف در ژاپن و نیز حال و روز ژاپنیان در بیرون مرزهای این سرزمین را گردآورده، درج شده است. مقاله خانم موریتا که نتیجه تحقیق وی در احوال ایرانیان آمده به ژاپن در دو دهه اخیر است و با عنوان «شبکه جمعیت ایرانی مقیم ژاپن، در چهار فصل زیر به این موضوع می‌پردازد:

۱) سرآغاز و معرفی میحث و موضوع تحقیق،

۲) ایرانیان آمده به ژاپن، ترکیب و اهداف و گروه‌بندی آنها،

۳) جریان شکل گرفتن شبکه (network) این ایرانیان، و از هم گسستن آن، و

۴) استدراک و نتیجه بررسی. از عنوان مباحث پیداست که این مقاله بیشتر به سرگذشت ایرانیان مهاجر جویای کار در ژاپن در اوایل دهه ۱۹۹۰ نظر دارد. خانم موریتا پیشتر هم، در سال ۲۰۰۲ با همکاری خانم توموکو یاماگیشی دفتری زیرعنوان تجربه ایرانیان از ژاپن از زبان خود آنها (The Iranian Experience of Japan Through Narratives) در سلسله گزارش‌های طرح مطالعات زمینه‌ای اسلامی (Islamic Area Studies Working paper Series No. ۲۰. Tokyo, ۲۰۰۲) منتشر ساخته و در آن احوال ایرانیان آمده به ژاپن در دو دهه گذشته و بیشتر در اوج سرازیر شدن ایرانیان برای کار به اینجا را مرور کرده بود. آن دفتر بر پایه مصاحبه‌هایی که این دو پژوهنده در ایران با شماری از بازگشتگان از ژاپن کرده بودند نگاشته شده و به مسائل فرهنگی، اقتصادی و پیامدهای این جریان و مباحثی همچون گروه‌بندی و پیشینه و پایگاه اجتماعی این مسافران کار و زندگی آنان در ژاپن، روابط اجتماعی آنها، پیچیدگی‌های قانونی کار و اقامتشان و مسائلی که این وضع برای مسافران و میزبانان آنها پیش آورد، و وضع کنونی و اثری که کار و زندگی در ژاپن در احوال کنونی آنها داشته است پرداخته بود. این دفتر بر روی هم حاوی انبوه اطلاعاتی است که صرفنظر از سبک و سلیقه ترتیب و طبقه‌بندی آن، تصویری از حال و کار این دسته از ایرانیان به دست می‌دهد، و ارزش ترجمه شدن و معرفی به خوانندگان فارسی زبان دارد.

مقاله تازه خانم موریتا به ظاهر تحریر تازه‌ای است از حاصل همان تحقیق،

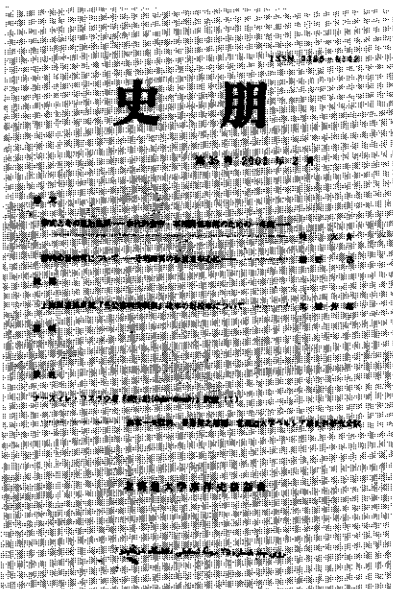
عامیانه؛ افسانه [قهرمان] ازدهاکش و دختر نخ‌ریس در شاهنامه From Iranian Myth to Folk Narrative: The Legend of the Dragon-Slayer and the Spinning Maiden In the Persian Book of the Kings

نویسنده در این مقاله، همچون بیشتر نوشته‌های پیشین خود، به داستانی دلنشین و رازگونه از شاهنامه فردوسی پرداخته است. در خلاصه به دست داده شده در آغاز مقاله که در واقع بیانیه و پیام نویسنده و چکیده حاصل تحقیق اوست، می‌خوانیم: «این بررسی در یکی از بهره‌های پایانی روایت فردوسی از حماسه ملی ایران می‌نماید که چگونه داستانی عامیانه در روایتی نیمه تاریخی جای می‌گیرد. به گفته این داستان اردشیر، بنیانگذار پادشاهی ساسانی دومین شاهنشاهی بزرگ ایران (سال‌های ۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی) شاه کرمان به نام هفتواد را بر سر راه کشورگشائی‌اش می‌یابد. بخت و پیروزی او به افسون کرمی است که دخترش هنگام نخ‌ریسیدن در میان سیبی یافته و پرورش داده بود چندانکه ازدهایی سهمگین شد. اردشیر با درکار آوردن حیل‌های ازدها را از میان برمی‌دارد؛ بدینسان که در زی‌بازرگانی که می‌خواهد به ازدهای جادو خوراک بدهد به قصر شاه کرمان راه می‌یابد، و ازدها را با خوراندن آهن گداخته می‌کشد. روایت‌های دیگر این افسانه (در داستان اردشیر به زبان پهلوی و در تاریخنامه طبری به زبان عربی) حکایت شاهنامه را کامل می‌سازد. این داستان، که بر پایه دسته‌بندی پذیرفته شده از گونه «ازدهاکش» (گونه ۳۰) و «ریسنده جادو» (گونه ۵۰) است چندین درونمایه (Motif) قصه‌ای را دربردارد. روایتی که فردوسی باز گفته، همچنان که افسانه‌های بنیادی را با داستان‌هایی که آغازگر آن به ترتیب مردی و زنی است به خوبی درهم آمیخته؛ همچون قصه‌ای آگاهانه بازگویی تأیید آسمانی قدرت پادشاه (فرآیندی) و نفی اندیشه خواست و اختیار رعایا، که گویا پسند یکی از الهگان (بخت) است، در گستره افسانه‌های تاریخی جای خود را دارد، و معدّ و مؤید سنت در برابر بدعت است.

خانم کینگامار کوسی که از مردم مجار و همسر پرفسور ماساتاکا تاکه‌شیتا استاد اندیشه اسلامی در دانشگاه توکیو است، همراه همسر خود دوره عالی تحصیل زبان و ادب فارسی را در دانشگاه تهران گذرانده، با زبان و فرهنگ ایرانی به خوبی آشنایی یافته، و از سه دهه پیش کار بررسی گوشه‌هایی دل‌انگیز از داستان‌های حماسی ایران به ویژه روایات شاهنامه فردوسی را دنبال کرده است.



هیروشی سوزوکی محقق موسسه مطالعات اقتصادهای در حال پیشرفت



آقای کازو موریموتو دانشیار دانشگاه هوکایدو

و به زبان ژاپنی برای خوانندگان «خودی» در سرزمین آفتاب.

سفرنامه ناصرخسرو به ژاپنی

نخستین بخش ترجمه ژاپنی سفرنامه ناصرخسرو با مقدمه‌ای متین و محققانه در احوال و آثار این ادیب و حکیم و متکلم و داعی اسماعیلی سده پنجم هجری به قلم شیوا و نثر استوار کازونوموری موتو پژوهنده جوان فارسی‌دان و ادب آشنا و دانشیار دانشگاه هوکایدو و عضو «انجمن تحقیق نگاشته‌های تاریخی به زبان فارسی»، در شماره ۳۵ شی هوه Shi Ho (فوریه ۲۰۰۳)، نشریه علمی این دانشگاه، انتشار یافت. موری موتو که یک سالی بیشتر نیست که در دانشگاه هوکایدو پایگاه علمی و آموزشی یافته و از توکیو به این سرزمین برفی ژاپن کوچیده است، با این آغاز خجسته نوید و امید می‌دهد که جایگزینی شایسته و پرکار و اثرگذار برای استاد فرزانه تاریخدان و مغول‌شناس نامی ژاپنی، زنده‌یاد مینویو هوندا، باشد وی که با همه جوانسالی دانش و مایه علمی را با حجب و فروتنی ژاپنی یکجا دارد و فارسی را روان و گیرا حرف می‌زند، پیش سخنی کوتاه بر کار تازه تحقیقی خود نگاشته و در پی آن استاد هیروبوکی ناگامینه در مقدمه‌ای یازده صفحه‌ای شرحی ممتنع درباره احوال و آثار ناصرخسرو آورده و مروری انتقادی به چاپ‌های مختلف سفرنامه او و ترجمه‌های این اثر گرانبگر به زبان‌های دیگر داشته و فهرستی هم از آثار دیگر ناصرخسرو قبادیانی به دست داده است.

در این مناسبت جا دارد که توجه بنیادهای متعدد فرهنگی در ایران که برای گسترش زبان فارسی و مطالعات ایرانی در فراسوی مرزها تشکیل شده و فعالیت دارند به حمایت از چنین کارهای ارزنده و ماندنی معطوف شود. این پشتیبانی و تشویق می‌تواند به ویژه از دو راه در گسترش یافتن و غنی‌تر شدن فعالیت‌های ایران‌شناسی کارساز باشد: یکی از طریق یاری برای نشر آثار ارزنده که ایران‌پژوهان بیرون مرزهای ایران فراهم می‌کنند و در کشوری مانند ژاپن برای چاپ و نشر این آثار دشواری‌های بسیار پیش‌رو دارند چندان که شماری از آثار این محققان منتشر نشده می‌ماند و این ناکامی دیگران را به کار تألیف و ترجمه دلسرد می‌کند. دستگاه‌های حامی ایران‌شناسی می‌توانند امکان نشر چنین آثاری را که می‌شود در ایران حتی در نسخه‌های محدود و با هزینه‌ای بسیار کمتر به چاپ برسد، فراهم آورند. راه دیگر تشویق و حمایت این پژوهندگان شرکت دادن هرچه بیشتر آنها در مجالس علمی و گردهمایی‌های تحقیقی مرتبط با زمینه مطالعه‌شان است. برای نمونه، جا دارد که از این مترجم ژاپنی سفرنامه ناصرخسرو و نیز محقق جوان و علاقه‌مند دیگری، آقای

یاسوهیرو توکوهارا، که احوال و آثار ناصرخسرو را موضوع پژوهش خود ساخته و پایان‌نامه فوق لیسانس در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو را درباره «ناصرخسرو در تاریخ معنوی ایران» گذرانده و وارد دوره دکتری ایران‌شناسی این دانشگاه شده است، یاد شود.

پی‌نوشت:

۱- در لغت‌نامه دهخدا، ذیل «هفت واد» چنین می‌خوانیم: «هفتاد شخصی بود، که هفت پسر داشته، چه واد به معنی پسر هم هست (برهان): نام مردی از کچاران (لغات شاهنامه) بدین شهر می‌چیز خرم نهاد (کرمان)

یکی مرد بد نام او هفتواد

بر این گونه بر نام و آواز، رفت

ازیرا که او را پسر بود هفت

در کتاب گرانقدر «فرهنگ نامهای شاهنامه»، تألیف استاد منصور رستگار فسایی (موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰) ذیل مدخل هفتواد شرح ممتع زیر را می‌یابیم:

دارمستتر می‌نویسد هفتواد جز قرائت غلط کلمه پهلوی Haft box چیزی نیست. در رساله «کارنامه اردشیر» آمده است که اندر راه پارس سپاه هفتان بخت خداوند کرم به او برخورد آن همه دارایی و خواسته و بینه از سواران اردشیر بستند (برهان، ص ۲۳۵۳ ح ۳). دکتر فرهوشی معنی هفتان بخت را رستگار شده به وسیله هفت (امشاسپند) می‌داند (کارنامه اردشیر بابکان، فرهوشی، ص ۵۵). قزوینی می‌نویسد: «هفتان بخت که همان هفتواد فردوسی است در شاهنامه یعنی هفت نجات داده (چهارمقاله، ص ۶۴ ح)، که مقصود هفت سیاره است که در طریق زردشتیان تعلق به اهریمن دارد. در طبری این نام به صورت «اینتبود» (هفت بود = هفتان بوخر = هفتان بوخت) آمده (الشاهنامه، ج ۲، ص ۴۴). کریستن سن می‌نویسد: «به مرور زمان سرگذشت این شه‌ریار صورت افسانه‌ای به خود گرفت... حتی کشتن اردشیر ازدها را مقتبس از قصه مردوک، خدای ملی بابلیان قدیم است. مردوک بادی وحشتناک برانگیخت تا در دهان عفریت عظیم موسوم به قیامت فرو رفت، و آن دشمن خدایان را از پا درآورد. اردشیر در کشتن ازدهای هفتان بخت فلز گداخته در کام آن ریخت تا به حالتی فجیع کشته شد. نکته جالب دیگر آن که هفتواد نام پادشاهان دست‌نشانده اشکانیان در کرمان است که مسکوکاتی از آنان به جا مانده (تاریخ ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۷۹؛ برهان قاطع، ص ۲۳۵۴ ح، فامنم ص ۱۲۴). در زند و هومن یسن این نام «هپتاباد» ضبط شده و به معنی دارنده هفت نواده می‌باشد (ص ۱۸۶ و (تاریخ کرمان، ص ۱۷-۱۹ و حواشی آن: (الشاهنامه، ج ۲، ص ۴۴؛ آیینها و افسانه‌های ایران و چین باستان، صص ۲۷-۳۲، به نصرت تجربه کار، داستان کرم هفتواد، مجله مردم‌شناسی، ش ۱، آبان ۱۳۳۵، صص ۴۶-۵۲).